

نگاره منتقد

درباره مجموعه داستان «زن نازنین»

نوشته «لاله بزرگ»

## شرایط بسامان نیست

علی چنگیزی



فرمالیست‌های روس «دنکیشوت» را اثری درباره شخصیتی به این نام نمی‌دانستند، بلکه وسیله‌ی می‌دانستند برای گردآوری فنون مختلف داستان‌نویسی. او دیدگاه فرمالیست‌ها «قلعه

حیوانات» را بنیاد تمثیلی از استالیسیسم به شمار آورد، بلکه به عکس این استالیسیسم است که شرایط را مناسب برای به وجود آوردن یک تمثیل فراهم می‌سازد. اگر این گونه به جهان داستانی نویسندگان معاصر نگاه بیندازیم کم و بیش در اکثر موارد رد پای طبقه متوسط شهری را در آن می‌بینیم و باید گفت این خلق و خو و احوالات این طبقه است که داستان‌های آپارتمانی را به وجود آورده است. طبقه‌ی که ما از آن سخن می‌گوییم کم‌کم در حال جدا شدن از زندگی سنتی است و هنوز در حال تغییر. حالا به جای نشستن در کلیشه‌ی ترین نهاد سنت، یعنی خانه‌هایی با حیاط دنگال و حوضی پر از ماهی، تو آپارتمان‌هایی می‌نشینند یا یک وجب جا. درست یا غلط همین آپارتمان‌نشینی موجب شده است شهرها حیاطی داشته باشند به وسعت خیابان‌ها و بوستان‌ها. آشناهای محدود هم‌محله‌یی و قوم و خویش‌ها جایشان را داده‌اند به آشناهای طبقه‌ی. امروزه به واقع ما یک طبقه متوسط شهرنشین داریم که کم و بیش یک گونه می‌انددیش، با ناگزیر از شرایط اقتصادی و فرهنگی با یک راه دارد و اکنون دغدغه‌های یکسانی دارند و گرفتاری‌شان یک چیز است. در این تغییر زن‌ها نقش اساسی داشته‌اند و به یک سخن تلاش دارند از آن کلیشهٔ «پای مسامور و اجاق» بودن و جای دم دادن درآیند و خودشان را ببناسند.

مجموعه داستان «زن نازنین» تلاشی دارد تا نگاهی مبنی مالیستی بیندازد به آدم‌های «طبقهٔ متوسط» و به ویژه زن‌هایش. نگاهی که در بیشتر موارد به دلیل صداقتش و واقعیتش ساده و عمیق است و به اعترافات یک ذهن زبانه می‌ماند. آدم‌های بی‌نام کتاب که در تمام بیست و یک داستان کتاب تنها یا نام‌های دختر، بابا، برادر پسر، دوست و… خواننده می‌شوند خیلی شبیه خود ما هستند. همان‌چور به دنیا نگاه می‌کنند که اطرافیان ما. حتی گاهی مثل همان آدم‌های اطراف ما ناشناسند، چون آدم تودرتوی امروز، در این بازار، تمام تلاش‌ها را کرده است چیزی را برای خودش و در درونش حفظ کند. زن‌های کتاب گرفتار تراژدی زندگی پرمیال شده‌اند؛ دچار روزمرگی کشنده زندگی با مشابهت‌های آدمی وار کشند. در داستان‌های «زن نازنین» این احساس مصیبت‌بار زندگی موج می‌زند. انگار تراژدی بر همه احساسات و همهٔ افکار آدم‌های طبقه متوسط مسلط است و سراپای ایشان را در اختیار خود دارد. داستان‌هایی اینچنین بدبختی طبیعی سرزوش را موضوع خود قرار داده‌اند. تمام آدم‌های داستان‌های «لاله بزرگر» تنها هستند. «استاد» داستان «چراغی و راهی» همان قدر تنها است که دخترک داستان خوبی مثل «زرافه بی چاره». «زرافه بی چاره» از معدود داستان‌های نسبتاً بلند کتاب است. «زرافه بی چاره» خوش خیالی دخترکی را نقل می‌کند که نمی‌خواهد به روزگار دوست هم کلاشش گرفتار شود که در سن ۳۵سالگی شوهری برای خودش پیدا کرده است. او ۲۰سالی بیشتر ندارد و دلش می‌خواهد عشق را تجربه کند؛ شوهری به تور بزند و زندگی تشکیل بدهد.

دخترک «زرافه بی چاره» همان خیالات و آرزوهای را دارد که یک دختر در این سن و سال؛ گو اینکه بیگانه بود دخترک با آدم‌های اطرافش او را دوباره تو خودش فرو می‌برد و وقتی آرزوها و در واقع خیالاتش بشرش آب می‌شود، مزه تلخ واقعیت را می‌فهمد که «چطور نفهمیدم و این همه خیال در سرم آوردم.» هر چند رسیدن به این آرزو و به واقع درآمدن او یا کسی مثل او از تنهایی نیست. خوشبخت شدن نیست. دست آخر می‌شودی مثل زن داستان «فنجان» که ازواج کرده است و شوهری برای خودش برداشته است اما باز تنها است و حسرت به دل. در راهی افتاده است نه‌چندان دلچسب. ظاهر آنها نیست اما شوهرش و او غریبه‌هایی هستند زیر یک سقف. انگار برای او هم مثل کاراکتر داستان «شکلات» که موضوع شکلات شبیه ارتباط با آدم‌ها است؛ «مزه‌ی شیرین و زودگذر که وقتی از گلو پایین می‌رود، همه چیز تمام می‌شود.» تک‌تک داستان‌های «زن نازنین» گوشه‌ی یک یکن‌زنان می‌دهند.

درس خواندن، فارغ‌التحصیل شدن، کار و شوهرداری و… در نهایت آرزوهایی که در گذر زندگی باد هوا می‌شوند؛ شاید به همین سبب فضای کتاب سرد و تیره و سنگین است. آدم‌ها عیوس و سر‌تو به کلافه هستند. نمی‌دانند چه باید بکنند. از این مشکل می‌گریزند و به دام آن یکی می‌افتند. شرایط‌شان بسامان نیست که هیچ؛ کلی هم ناپسامانی یخه زندگی‌شان را چسبیده. تمام چیزهایی که به نوعی حق است به آرزوهایی دست‌نایفتی تبدیل شده و حالا چه برایشان مانده جز طعم تلخ زندگی پرمیال روزمره.

آدم‌های شهری «زن نازنین» آرام آرام، به فرد تبدیل شده‌اند و در مسیر رودررویی انفرادی با واقعیت، خودشان را از دست داده‌اند؛ یا استکتاب شده‌اند یا بی‌تفاوت. اگر چه بیشتر داستان‌ها کتاب خوب از آب درآمده‌اند و کم و بیش نویسنده به همین نگاه پایبند بوده اما از منطری دیگر کاربرد بعضی صفت‌ها در داستان‌های «لاله بزرگ» نایجا و آزردهنده است که شاید نویسنده‌اش گمان می‌برده با به کار بردن این صفت‌ها می‌تواند شرایط نابسامان را بهتر در داستانش جایبندازد. اما به کار بردن صفت بیش از آنچه به نظر می‌رسد نویسنده را جانبدار نشان می‌دهد.

«زن نازنین» را «نشر ثالث» به نازگی منتشر کرده است.

## ادبیات امروز، لذت خواننده و مقوله‌هایی به نام سطرهای سفید و اصل عدم قطعیت – بخش اول

# دشوار شدن متن هیچ افتخاری ندارد

فتح‌الله بی‌نیز.



گنگی و چیستان بودن شماری از داستان‌های ایرانی یکی از آزرده‌ترین نکاتی است که امروزه خواننده ایرانی با آن مواجه است

نمی‌خواهم در حق کسی بی‌انصافی بشود، از ذکر نام اینگونه متن‌ها خودداری می‌کنم. فقط بسنده می‌کنم به میانسال و روان‌پوش است و تکف برهنه دارد از این شاخه و به آن شاخه می‌برد و مشخص نیست مخاطب پرت و پلاگوهایش چه کسی است، یک بند از دریا و توفان حرف می‌زند که ناگهان سقف فرو می‌ریزد. البته اینها در یافت کلی متن مطرح می‌شوند، اما موضوع اینجاست که ساختار جزئیات یا پایه‌ساختارها هم دستمخوش این وضع می‌شوند. برای نمونه: مریم و شوهرش آرش از بیرون که آمدند، دیگر حرفی نزنند. مریم لباسش را عوض کرد و به آشپزخانه‌رفت. داشت چای دم می‌کرد که آرش آمد. مریم گفت: «حالا که قراره بخرم بهترشوی بخرم.» آرش گفت: «مواقف. یه کم زیر بار قرض می‌ریم ولی…» مریم پیامله را روی گاز گذاشت و شروع کرد به شستن پیشدستی‌ها. آرش خیره شده بود به میز.

- از این ماه دیگه اضافه کاری نذاریم.
- باشه. هر طور میل شمامست.
- مسالهٔ میل نیست، مسالهٔ اینه که وضع شرکت خوب نیست.
- راستی، بیسکویت می‌خوری؟
- آرش گفت: «نه.»
- نگاهش روی سیبل‌های پرپشت او ثابت ماند. حرفی نداشت. ساکت بود که شنید: «ممکنه مجبور بشیم عدیه‌ی را اخراج کنیم.»

خواننده از خود می‌پرسد چه اتفاقی افتاد که آرش ناگهان با مردی وارد گفت‌وگو شد که سیبل‌های پرپشت داشت و موضوع بیسکویت خوردن چه بود؟ همین موضوع او را از متن متفک می‌کند و لذت مطالعه را در او کناش می‌دهد. اما نویسنده می‌گوید: «نگاه آرش به میز موجب تداعی معانی شد و او را یاد میز رئیس و گفت‌وگوی دونفره‌شان انداخت. حین همین یادآوری صدای مریم را شنید که پرسید بیسکویت می‌خورد یا نه.» نویسنده در ادامه می‌گوید: «امن درک این سطرهای سفید را بر عهده خواننده گذاشته‌ام تا به اقتدار او احترام بگذارم و او را در متن خود شریک کنم.»

در واقع این نویسندگان برای اینکه داستان‌شان به صفت «حطنی و تخت» متصف نشود، به بازی با فرم و معمولاً به همین شکلی که نوشته‌ام، دست می‌زنند، اما آنکه از این نوع بازی‌ها در داستان‌های اوایل قرن بیستم زیاد می‌بینیم اما به حدی با «نشانه» شوم شده‌اند که خواننده سردرگم نمی‌شود. نمونه‌اش رمان برجسته «سرباز خوب» شاهکار فورد مدوکس نویسنده انگلیسی و شماری از کارهای هنری جیمز و دیوید هربرت لارنس است. تردیدی نیست که این نوع رویکردها بیشتر در عرصه فیلم اعتبار کسب می‌کنند و رجعت به گذشته در ادبیات داستانی شگرد خاص خود را دارد. حال اگر همین شیوه مدام تکرار شود و متن از این گسست‌های ناگهانی انباشته شود، خواننده ذله می‌شود چون بازگشت به گذشته و آنگاه برگشت به حال که من از نوشتن واژه‌های انگلیسی‌اش خودداری می‌کنم، امر بسیار پیچیده‌ی است و به «نشانه‌های کافی» نیاز دارد، به ویژه اگر بخوایم خواننده به درستی مطلب را درک کند. حال اگر به این بازی فرمیک، بازی زبانی هم اضافه شود، آنگاه چنین متنی با این مشکل مواجه می‌شود که آیا اصولاً «رمان» یا داستان کوتاه یا بلند شده است یا خیر؟ شمار کثیری از متن‌های کوتاه و بلند داستانی ما گرفتار این معضل شده‌اند. رمان این هفت ساله که داور مهرگان ادیب اگر هست، کسی مجموعه‌ی داستانی نیست که خواننده باشم، اما چون

## ادبیات امروز، لذت خواننده و مقوله‌هایی به نام سطرهای سفید و اصل عدم قطعیت – بخش اول

# دشوار شدن متن هیچ افتخاری ندارد

[بست‌مدزیستی] از یک منطبق درونی غیرعادی، عدم قطعیت حاصله نیز از همین منطبق پیروی می‌کند نه منطق مرسوم. اما این منطق یکباره در متن پایان نمی‌پذیرد. در عین حال در چنین داستان‌هایی، عدم قطعیت به این معناست که علت‌های یکسان حتی در شرایط یکسان، معلول‌های یکسان پدید نمی‌آورند. ثانیاً بعضی از معلول‌ها بدون علت باقی می‌مانند؛ و به این ترتیب که از «منطق بشری» خارج می‌شوند و به «هستی دیگری» تعلق می‌یابند. مثالی بزیم. وقتی گرگوار ساسما در داستان «مسخ» به سوسک تبدیل می‌شود یا مرده‌یی در رمان «زمان‌لرزه» زنده می‌شود تا بقیه داستان‌ش را بنویسد، علت یا علت‌ها نگفته می‌ماند. اما می‌دانیم هر چه باشد، علت تابع منطق معمول نیست. دقیق‌تر بگویم؛ زنده شدن مرده و سوسک شدن یک انسان معلول‌هایی هستند بدون علت‌های منطقی.

پس علت به عرصه زیست‌شناختی مربوط نمی‌شود، چون هنرمند خود را اسیر «الگوی‌های مطلقاً واقعی» نکرده و توانسته است به این نتیجه برسد که عوامل «جامعه‌شناختی و روانشناختی و خصوصاً روانشناسی اجتماعی و تنش‌های ناشی از بیگانگی و ازخودبیگانگی» در «فرآیندی غیرقابل ارجاع» در «وانموده‌یی نامحسوس» به حیطه زیست‌شناختی نفوذ می‌کنند و ساخت و ساز این عرصه را تغییر می‌دهند- اتفاقی که در زندگی روزمره پیش نمی‌آید، اما از دید هنرمند می‌تواند پیش بیاید. اینجا او از قاعده علت و معلول معمول عدول کرده و به طور ضمنی عدم قطعیتی را بازنمایی کرده است که حالت تمثیلی دارد. اما باید همه این نکات در متن بنشینند، وگرنه خواننده با آنها رابطه لازم را برقرار نمی‌کند.

**۲- بررسی عدم قطعیت متون روایی با استناد به آرای نظریه‌پردازان:**
عدم قطعیت مقوله‌یی است که در اساس با نقد پدیدارشناختی پیوند خورده است. گرایش فلسفی پدیدارشناسی بر نقش محوری مشاهده‌گر برای تعیین معنا تأکید می‌رشد. بر این اساس، هدف پژوهش فلسفی محتوای خودآگاهی ما است نه اشیای موجود در این جهان. خودآگاهی همواره باید آگاهی از چیزی باشد و این «چیزی» که موضوع خودآگاهی ما قرار می‌گیرد، به نظر حقیقی و واقعی جلوه می‌کند. انسان در چیزهایی که در خودآگهش ظاهر می‌شوند، خصوصیات جهانی یا مسکن آنها را کشف نمی‌کند. از این قرار، شناخت‌پذیری جهان و پرسش‌هایی که به واقعیت غایی مربوط می‌شوند، به حال تعلیق درمی‌آیند و هستی آن‌گونه که بر ضمیر انسان عرضه می‌شود، تعریف می‌شود. پس در عرصه ادبیات به نقدی

دست می‌زند که به توصیف جهان هشیار نویسنده اختصاص دارد. از سوی دیگر برای خواننده نیز متن آن چیزی است که ضمیر هشیار او دریافت می‌کند. پس در اینجا متن چیزی انضمامی نیست که مستقل از تجربه‌های خواننده وجود داشته باشد، ضمن اینکه متن جزیی از تجربه‌های اوست. یک وجه این نقد می‌تواند ناظر بر حرکت پیش‌رونده خواننده در متن باشد و اینکه خواننده با کدامین ارتباط با سطرهای سفید را حس می‌زند و معانی تحقق یا عدم تحقق آنها را به محدود گمان خود راه می‌دهد. رومن اینگاردن لهستانی شاگرد هوسرل در اثر معروفش به نام «اثر ادبی» در جریان تحلیل روند شناخت ادبی، بحث جامعی را در مورد عدم قطعیت می‌گشاید. از دیدگاه او اثر ادبی از چهار سطح مرتبط به هم تشکیل شده است؛ آوای کلمات، واحدهای معنایی، اشیای بازمنوده و جزوه طرح‌ریزی و ایدیه‌های چهار سطح دو ساحت‌دار ارزش زیباشناختی و زمان‌بندی را نیز اضافه می‌کند. عدم قطعیت حاصل شیوه خاصی از ترکیب این سطوح و ساحت‌ها با یکدیگر است. برخلاف اشیا و پدیده‌های جهان واقعی که همواره در حوزه تعین مشاهده‌گر و ناظر قرار می‌گیرند، اشیا و پدیده‌های بازمنوده در اثر ادبی بیانگر نقاط یا فضاهای نامتعین واحدی و یوحه یا ساحت‌های مختلفی‌اند. گرچه امکان دارد عدم قطعیت صور متنوعی به خود بگیرد، اما در بنیان زمانی پدید می‌آید که خواننده نتواند صفت معینی را به شیء یا پدیده خاصی نسبت دهد، مثلاً شما همین حالا که این مقاله را می‌خوانید، چه در یک اتاق باشید یا اتوبوس، نمی‌توانید این فضا را در جهان واقعی به نحو جامعی توصیف کنید. اما در مقام نظر هیچ بخشی از این فضا نامتعین نیست. متقابلاً در یک اثر ادبی ممکن است یک اتاق یا توصیفات مفصلی توصیف شود، اما همواره بخش‌هایی از اثر از حوزه این توصیف خارج می‌مانند و به تخیل و اندیشه خواننده محول می‌شوند. از نظر اینگاردن کار اصلی خواننده این است که به وسیله شیوه انضمامی سازی این عدم قطعیت را حادف کند. بنابراین خواننده از طریق یک پر کردن از فضای نامتعین، اثر ادبی را باآزقربنی می‌کند؛ چیزی که همکارى مکانی به اعتبار زمینه‌سازی‌های قبلی صورت می‌گیرد. برای نمونه شش رمان از جوزف کنراد، هشت رمان از ناباکف و شش رمان و نولت از لارنس و چهار رمان و نولت از هنری جیمز که نگارنده این سطور برای بررسی کرده است.

در داستان مبتنی بر عدم قطعیت، چه در میانه‌ها و چه در پایان‌بندی، حقیقت واحدی وجود ندارد و همه قطعیت‌ها و محمل‌های اخلاقی، ذهنی، ادبی و روانشناختی مورد تردید و حتی حمله قرار می‌گیرند. بنابراین هر کلمه، مفهوم و تشیی در جایب از داستاان، با ضدخود همراه می‌شود. برای مثال در رمان شب مادر نوشته ونه‌گات، راوی خود و شخصیت اصلی رمان در آن واحد هم سادیست است و هم مازوخیست. هم در جایگاه ظالم قرار دارد و هم مظلوم. در ضمن فاعل، کنشگر یا علت مشخص نیست و می‌تواند یک یا چند چیز باشد – مثلاً فریب‌خورده، فریبکار هم هست و خواننده به شمار کثیری از شخصیت‌ها شک می‌کند. پس این موضوع را به دلیل اهمیتش دوباره مرور می‌کنیم. در ابهام، خواننده تصور می‌کند حقیقت واحدی وجود دارد که می‌تواند به اتکای قرائت خود از متن – و نیز دانش و ابزار علمی – آن را کشف کند. اما عدم اعتقاد به حقیقت واحد، سبب عدم قطعیت می‌شود. علم قطعیت در یک داستان تابع منطقی غیر از منطق متداول است. بهتر است گفته شود به دلیل برخورداری ساختار داستان

## کارگاه شعر

به مناسبت انتشار کتاب «تو و جاده همدستید»

## فانوس‌ها سوسو می‌زنند

محمد صادقی



شعر امروز ایران نماد بارز و روشن تغییرخواهی در شعر فارسی است. بی‌تردید شعر و ادب قدیم ایران میراث ارزشمندی است که از روزگاران کهن تا به امروز باقی‌مانده و سرشار از مفاهیم ارجمند و انسانی است. اما از دوران مشروطه به این سو که ایرانیان با اندیشه‌های جدید آشنا شدند، قالب‌های قدیم شعر فارسی به دلیل نارسایی و ظرفیت‌های محدود و شرایط جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم شود. البته نوگرایی در شعر فارسی مناقشه‌هایی را نیز پدید آورد و فصل جدال میان قدیم و جدید را رقم زد. «شعری که جدیدی که پدید آمده بود از سوی نوپردازان به کناری نهاده شد تا شکل گیری قالب‌های جدید و نو آغاز شود و همچنین فرصت و امکان برای بیان خواست عمومی و نقد فضای سیاسی- اجتماعی موجود فراهم